مقدمه

جوهر مارکسیزم عبارتست از توضیح انکشاف تاریخی جوامع بر حسب مناسبات و تصادمات طبقات مختلف درون آن. در حالی که مارکسیزم قرن نوزدهم در باب بررسی گروه های اصلی اجتماعی طبقات ریشه دار در پروسه ی تولیدی- متمرکز گشته بود، مارکسیزم در قرن بیستم به اهمیت گروه هائی پی برده است که با وجود آنکه اصلی نبوده، طبقه بشمار نمی آیند و در پروسه ی تولیدی فاقد ریشه ی اساسی هستند، با این حال چه در انکشاف جوامع کاپیتالیستی و چه در انکشاف جوامع در حال گذار از کاپیتالیزم به سوسیالیزم نقش مهمی به عهده دارند.

در میان این گروه های فرعی، مقام اصلی مسلماً به بورکراسی تعلق دارد. مارکسیزم قرن بیستم پدیده ی بورکراسی را کشف نمود زیرا این مساله در سال های آخر قرن نوزده درون جنبش طبقه ی کارگر رشد نمود و اهمیت روزافزونی در حیات و عمل سازمان های طبقه کارگر کسب نمود.

این جزوه ی مقدماتی دو جنبه ی عمده مسأله- تئوریك و تاریخی- را از یکدیگر متمایز می سازد و هدف آن پاسخ به سؤالات زیر است:

بورکراسی طبقه کارگر چیست؟ چگونه بروز و انکشاف پیدا می کند؟ چطور می تواند از میان رود؟

پدیده ی بورکراسی در تاریخ طبقه کارگر چه اشکال مشخصی بخود می گیرد؟

گرایش های مختلف درون جنبش طبقه کارگر چه نوع برخوردی نسبت به مسأله بورکراسی داشته اند؟

www.hks-iran.com

مفاهیم اساسی

۱ - پیدایش پدیده ی بورکراتیك

مسأله بورکراسی درون جنبش کارگری خود را در بلافصل ترین شکل خویش به صورت مسأله دستگاه سازمان های طبقه ی کارگر مطرح می سازد: مسأله"کارمندان" تمام وقت و روشنفکران خرده بورژوائی که مناصب میانه و بالای سازمان های کارگری را تحت اشغال خود در آورده اند.

تا زمانی که این سازمان هامحدود به گروه های کوچك و دسته های سیاسی یا گروه های مدافع با نیروئی ناچیز هستند، دستگاهی وجود ندارد، "کارمندان" تمام وقت بوجود نمی آیند و مسأله بروز نمی کند. در این جا فوقش مسأله رابطه با روشنفکران خرده بورژوائی پیش می آید که به یاری صورت بندی جنبش کارگری که هنوز در مرحله ی جنینی خود بسر می برد، شتافته اند.

لیکن رشد جنبش و پیدایش سازمان های توده ای سیاسی یا اتحایه ای بدون تولید دستگاهی از "کارمندان" تمام وقت و کارگزاران غیرقابل تصور است، موجودیت یك دستگاه فی النفسه در خود پتانسیل خطر بورکراتیزه شدن را در بردارد. از همان بدو امر یکی از ریشه های اصلی پدیده ی بورکراتیك یعنی تقسیم کار درون جامعه سرمایه داری- نمایان می گردد.

تقسیم کار در جامعه ی سرمایه داری کار یدی مستلزم تولید روزانه را به پرولتاریا، و تولید و جذب فرهنگ را بدیگر طبقات اجتماعی اختصاص می دهد. کارشاق و از لحاظ هم جسمانی و هم عقلانی خسته کننده به کل پرولتاریا اجازه نمی دهد علوم عینی در پیشرفته ترین اَشکالش را فرا گرفته و جذب کند و یا یك

www.hks-iran.com

فعالیت سیاسی و اجتماعی متداوم را دنبال کند: وضعیت اجتماعی پرولتاریا تحت سلطه ی سرمایه شمه ای از عقب ماندگی علمی و فرهنگی است.

انکشاف جنبش کارگری با خود پیدایش دستگاه و کارگزارانی را به همراه می آورد که دانش تخصصی شان برای پر نمودن خلاءهای ناشی از وضعیت اجتماعی طبقه ی کارگر ضروریست و شرط کاملاً واجب مدوامت بیشتر مبارزات طبقاتیست.(۱)

به شکلی بسیار نارسا می توان گفت همین تخصص یابی موجب پیدایش پدیده ی بورکراسی می شود: به مجرد اینکه افرادی چند در فعالیت های سیاسی یا اتحادیه ای به شکل تمام وقت و حرفه ای درگیر می شوند، امکان مستطر بورکراتیزه شدن موجودیت پیدا می کند.

در جامعه ی تولید- کالائی این تخصص در مقیاسی ژرف تر هم چنین موجب پیدایش* و شیئی سازی** می گردد. در یك جامعه ی مبنی بر تقسیم کار فاحش و تولید کالائی تعمیم یافته، این واقعیت که مردم در یك جنبش کوچك از فعالیت اجتماعی جهانی زندانی گشته اند، تجلی ایدئولوژیك خود را در روش برخورد آنان نمایان می سازد: آنان هر چه کمتر قادر به فهم کل جامعه می گردند و فعالیت های خود را به عنوان هدفی در خود می پندارند. ساختارهای سازمانی که در اصل به منزله ابزاری برای بدست آوردن برخی هدف های اجتماعی محسوب می گردند بعنوان هدفی برای خود دانسته می شوند- بخصوص نزد کسانی که به آشکارترین و مستقیم ترین نحوی تعیین هویت خود را ازین (ساختارها) کسب کرده و مدام درون آن بسر می برند و از آن امرار معاش می کنند، کسانی که دستگاه را تشکیل می دهند یعنی "کارمندان" تمام وقت، بورکرات های بالقوه.

اکنون به بررسی پایه روانی و ایدئولوژیك پیدایش بورکراسی طبقه کارگر می پردازیم: دیالکتیك پیروزی های جزئی.

---

* پدیده بت سازی (mshsitef)

** شیئی سازی reification شیئیت یافتن روابط.

www.hks-iran.com

۲ - دیالکتیك پیروزی های جزئی

این دیالکتیك خود را در روش برخورد کسانی جلوه گر می سازد که دفاع از پیروزی هائی که هم اکنون طبقه کارگر بدست آورده را بر تعاقب مبارزه ی طبقه کارگر برای تسخیر قدرت و تحول ریشه ای یعنی بنای دنیای سوسیالیستی مقدم می شمارند. در سطح بین المللی آنان دفاع از اتحاد جماهیر شوروی، چین و یا دیگر دولت های کارگری را پراهمیت تر از گسترش انقلاب جهانی می دانند. برای چنین کسانی، موجودیت دول کارگری در یك دنیای تحت تحکیم امپریالیزم هدفی در خود گشته است. سوسیالیزم برای آنان آن چیزی است که درین [دول] تحصیل گشته است و از اینرو بمنظور دفاع از آن مادون شمردن کلیه ی مبارزات نوین را لازم الاجرا می دانند. این چشم اندازی اساساً محافظه کارانه است.

این جمله ی معروف در مانیفست کمونیست که می گوید پرولتاریا هیچ چیز ندارد که از دست بدهد مگر زنجیرهای خود نظریه ی بسیار ژرفی را بیان می کند که می بایست بعنوان یکی از اصول مارکسیزم پذیرفته شود: رسالت تاریخی تحول جامعه ی سرمایه داری به کمونیستی دقیقاً بعلت اینکه پرولتاریا چیزی دارا نیست که در مقام دفاع از آن برآید به پرولتاریا محول گردیده است.

لیکن این امر در حال حاضر کاملاً صدق نمی کند، بطور مثال به مجرد اینکه بخشی از پرولتاریا (بورکراسی طبقه کارگر، اشرافیت کارگری که داخل پرولتاریای کشورهای امپریالیستی نضج می گیرد) در عوض حالت محرومیت کامل اولیه ی خود سازمان یا سطح زندگی بهتری بدست می آورد، خطر بروز یك قالب فکری جدید نمودار می شود. اینك جنبه های مخالف و موفق هر فعالیت جدیدی سنجیده و موازنه می گردد: آیا امکان این نیست که طرح حرکت به پیش به جای کسب دستآوردهای جدید، به از دست دادن دستآوردهائی که هم اکنون حاصل گشته منجر گردد؟

www.hks-iran.com

این ریشه ی اصلی محافظه کاری بورکراتیك است، همانطور که در جنبش سوسیال- دمکراتیك قبل از جنگ جهانی اول و در بورکراسی اتحاد شوروی حتا پیش از اوج فاحش دوره استالینیستی مشاهده نمودیم.

دیالکتیك پیروزی های جزئی دیالتیکی است که مشکلات واقعی را بازتاب می کند و نه تضادی کاذب را که با یك فرمول می تواند فیصله یابد.

مادامی که محافظه کاری بورکراتیك با امتناع خود از شرکت و حمایت مبارزات انقلابی در کشورهای کاپیتالیستی و بطور کلی در دنیا بوضوح به منافع پرولتاریا و بدین ترتیب به سوسیالیزم زیان می رساند، علت اولیه ی این برخورد (لزوم دفاع از دستآوردهای طبقه ی کارگر) یك مشکل واقعی را منعکس می سازد. دلیل اینکه ما این برخورد را محافظه کارانه می خوانیم این است که از قبل این را مسلم فرض می کند که هر جهش به پیش انقلابی چه در مقیاس ملی چه بین المللی دستآوردهای طبقه ی کارگر را به مخاطره می اندازد. این فرض است که محافظه کاری عمیق و دائمی هر دو بورکراسی های رفرمیست و استالینیستی را تأکید می کند.

دیالکتیك پیروزی های جزئی متصل با پدیده ی بت سازی که مشخصه ی جامعه ایست که در آن تولید کالائی تعمیم یافته و بر محور تقسیم کار فاحش سازمان یافته یك جنبه ی مهم فرآشد بورکراتیزه گشتن را بیان می کند. بدین صورت این در انکشاف جنبش کارگری در مرحله ی تاریخی زوال سرمایه داری و گذار بسوی جامعه سوسیالیستی نهفته است. راه حل حقیقی مسأله بورکراسی نه در برانداختن آن از طریق احکام قضائی یا فرمول های جادوئی، بلکه در ایجاد بهترین شرایط ذهنی و عینی برای از بین رفتن آن است.

۳- امتیازات بورکراتیك

ما ماتریالیست ها واضح است نمی توانیم مسأله بورکراسی را از علایق مادی آن منفك سازیم: این بورکراسی برخوردار از امتیازات مادی و مصمم به دفاع از آن

www.hks-iran.com

است. لیکن کاهش مسأله بورکراسی صرفاً به این جنبه ی بخصوص به فهم ریشه و تکامل بعدی آن کمك نخواهد کرد. بطور مثال، میزان بورکراتیزه گشتن احزاب کمونیستی که در قدرت نیستند (مانند حزب کمونیست ایتالیا، فرانسه) یا احزاب کمونیست در کشورهای شبه مستعمره(مانند بزیل) بوسیله این الگوی ساده توضیح پذیر نیست. از سوی دیگر، نقش ایدئولوژی پیروزی های جزئی را در این موارد بوضوح مشاهده می کنیم: یکسان پنداشتن اهداف با وسایل، بورکرات با سازمان. این یکسان شمردن همانطور که گفته شد منجر به پیدایش محافظه کاری عمیقی می گردد و این محافظه کاری اغلب با منافع جنبش طبقه ی کارگر در تضادی سخت قرار می گیرد.

به همان نسبت که می بایست از یك توضیح مبتذل ماتریالیستی احتراز کنیم می بایست از عکس آن یعنی خطای روانکاوانه نیز بپرهیزیم. واضح است که گرایش روانی رهبران و دیگر کارگزاران بسوی محافظه کاری با مزیت های مادی و امتیازات و اقتدار و نفوذی ارتباط دارد که بر حسب موقعیت آنان نثارشان می گردد. چنان چه به ماهیت امتیازات بورکراتیکی که در اولین سازمان های طبقه ی کارگر، اتحادیه های کارگری و احزاب سوسیال دمکراتیك داده شد، نظر بیفکنیم دو جنبه مختلف مشاهده می کنیم:

۱- ترك محل تولید به منظور "کارمند" تمام وقت گشتن که بدون شك در شرایط مستولی در آن زمان (دوازده ساعت کار روازنه، فقدان تام بیمه های اجتماعی و غیره) برای کارگران یك ترفیع اجتماعی و تا حدودی از بند رها کردن انفرادی خود محسوب می گشت. اشتباه خواهد بود اگر این را با "بورژوازی گشتن" یا با ایجاد یا قشر ممتاز اجتماعی برابر بدانیم. دبیران اولیه‌ی سازمان های کارگری بخش معتنابهی از زندگی خود را در زندان بسر بردند و در وضعیت مادی نامساعدی گذاران کردند. لیکن با همه ی اینها، از نقطه نظر اقتصادی و اجتماعی وضع اینان از سایر کارگران آن زمان بهتر بود.

www.hks-iran.com

۲- در مقیاس روانی بدیهی است برای یك مبارز سوسیالیست یا کمونیست بسیار ارضا کننده تر خواهد بود اگر تمام وقت خود را صرف مبارزه در راه آرمان هایش سازد تا اینکه روزهایش را در یك کارخانه صرف انجام کار مکانیك وار کند، آن هم با علم بر این مطلب که ثمره ی کار او فقط منجر به غنی ساختن دشمن طبقاتیش خواهد گشت.

پدیده ی ارتقاء اجتماعی و شخصی بی تردید حامل هسته های ذخیره ای بورکراسی است. روشن است کسانی که چنین مناصبی را اِشغال می کنند، مایلند آن را در تصرف خود نگه دارند، آنان در برابر هر کس که بخواهد در عوض یك سیستم دواری Rota برقرار سازد- که طبق آن هر عضو سازمان به مدت محدودی به این سمت ها گماشته خواهد شد- از موقعیت خود دفاع خواهند کرد.

این امتیازات اجتماعی هر چند در ابتدا زیاد محسوس نیستند لیکن زمانیکه سازمان های توده ای درون جامعه ی سرمایه داری موقعیت مستحکمی بدست می آورند، شایان توجه می گردند. در این جاست که مسأله انتخاب مشاورین، نمایندگان مجلس و دبیران اتحادیه های کارگری یعنی کسانی که قادر به مذاکره ی مستقیم با اربابان و بدینسان تا حدودی به همزیستی مسالمت آمیز با آنان هستند، پیش می آید. ملاحظات مشابه هنگامیکه سردبیران روزنامه یا نمایندگانی برای شرکت در فعالیت های اضافی که سازمان از آن طریق در تمام سطوح اجتماعی مداخله می نماید، منصوب می شوند نیز صادق است.

این امر دیالکتیکی حقیقی تولید می کند که نمی توان آن را به یك تضاد پیش پا افتاده تقلیل داد. بطور نمونه جنبش وقتیکه به انتشار روزنامه دست می زند و به سردبیر احتیاج دارد با یك مشکل واقعی روبروست. اگر قانونی را که مارکس به منظور اجتناب از پیدایش بورکراسی طرح نموده- که حقوق یك "کارمند" تمام وقت می بایست معادل حقوق یك کارگر ماهر باشد- بکار ببرد، با خطر از دست دادن زبده ترین افراد روبرو می شود. آگاه ترین مبارزین سیاسی منطق این قانون را

www.hks-iran.com

می پذیرند ولی بسیاری از خبرنگاران با استعداد که می توانند در جای دیگر درآمد بیشتری کسب کنند، دائماً در وسوسه انتخاب چاره پر منفعت تر خواهند بود. آنان تا زمانی که بحد کافی متعهد نگشته اند در معرض خطر جذب مجدد به محیط بورژوازی و بدین گونه دور شدن از جنبش کارگری قرار دارند.

این در مورد حرفه های دیگر نیز صدق می کند. بطور مثال در شهرهائی که توسط جنبش کارگری اداره می گردند همین مسأله در مورد معماران، مهندسین یا دکترها پیش می آید. بکار بستن دقیق قانون مارکس در اغلب موارد به حذف تمام آن کسانی که رشد آگاهی سیاسی شان نابسنده است ولی در حرفه شان شاید زبده تر باشند، منتهی می شود.

بنای یك سیستم بی نقص کمونیستی مناسبات انسانی در چارچوب جامعه ی سرمایه داری با تمام معیارها و ارزش های متداولش حتا درون جنبش کارگری نیز غیرممکن است. این امر ممکن است تنها برای هسته‌ای از انقلابیون بسیار آگاه عملی باشد، ولی یك جنبش وسیع کارگری بنحو بسیار استوارتری با جامعه ی سرمایه‌داری درهم آمیخته و از اینرو به عمل گذاشتن اصول کمونیستی در آن بسیار دشوارتر است. بالنتیجه در این جا گرایش در جهت ترك تدریجی موانعی که بالاخص علیه خطر بورکراتیزه شدن بر پا شده اند، وجود دارد.

دیالکتیك پیروزی های محدود در این مرحله ی تاریخی از زوال سرمایه داری شکل کاملاً تکامل یافته ای از ادغام آگاهانه در جامعه ی بورژوازی همراه با سیاست ها و منطق سازش طبقاتی بخود می گیرد. کلیه موانع بر سر راه بورکراتیزه شدن از بین می روند، امتیازات چندین برابر می گردند، رهبران سوسیال- دمکراتیك دیگر یك بخش از حقوق پارلمانی خود را به سازمان اختصاص نمی دهند- در واقع این کارگزاران معرف یك قشر موکل درون طبقه ی کارگر می شوند. از این نقطه به بعد ناهنجاری های بورکراتیك فقط می تواند در جهت انحطاط بورکراتیك پیش رود.

www.hks-iran.com

٤- بورکراتیزه شدن دولت کارگری

در بورکراتیزه گشتن دولت های کارگری طی دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیزم می توان یك پروسه ی مشابه سه مرحله ای مشاهده نمود. از انحصار قدرت بر دستگاه دولت در ابتدا تنها امتیازات اقتداری و مزیت های سیاسی منتج می شوند. سپس امتیازات بورکراتیك که ماهیت مادی و فرهنگی دارند از پی آن می آیند. و بالاخره انحطاط کامل بوقوع می پیوندد: رهبری سیاسی، دیگر در متوقف ساختن رشد بورکراسی نمی کوشد. در راه افزایش امتیازات آگاهانه در آن ادغام شده و نیروی محرکه ی آن می گردد. این فرآشد به زیاده رویهای مهیب دوره ی استالینیستی منتهی می شود.

برای روشن نمودن مضمون این امتیازات چند مثال می آوریم. در اوج دوره ی استالینیستی سیستم "حساب بانکی ثابت" مقرر گشته بود که بدان وسیله تعداد معینی از بورکرات های برجسته می توانستند اعتبار وجهی نامحدودی مطالبه کنند در حالیکه حساب بانکی شان همیشه دست نخورده باقی می ماند. تنها محظور مصرف کمبود نسبی کالا بود. برای اینان در بطن یك جامعه ی هنوز تهی دست کمونیزم واقعاً وجود داشت، نوشته های پس از استالین پر از نمونه های مشخص هنرمندان و رهبران حزبی برجسته ایست که دارای چنین حساب بانك هائی بودند. غیراز این نمونه ی "مغازه های مخصوص" است که اجناسی که معمولاً دور از دسترس مشتریان "عادی" بود، می فروختند. این مغازه ها در زمان استالین بوجود آمدند و در اغلب دولت های کارگری تا بسال ۵۷- ۱۹۵٦ دوام آوردند. تحت توجهات صاحب مقامان حزب و دولت موجودیت آنان محتاطانه از سایر مردم مخفی نگهداشته می شد- نمای بیرون آن بشکل خانه های معمولی درست گشته بود. در میان این کارگزاران یك رتبه بندی واقعی برقرار بود: اقشار تحتانی نردبان بورکراتیك ناچار به پرداخت قیمت کامل اجناس بودند، کسانی که در مرتبه ای بالاتر بودند فقط نصف

www.hks-iran.com

قیمت در حالیکه بورکرات های فوقانی- صاحبان "حساب بانکی ثابت"- می توانستند بدون هیچ گونه پرداختی هر آن چه که مایل بودند، بردارند.

در خلال سال های ۴۸- ۱۹۴۷ که دوره ی احتیاج و تهیدستی دولت های کارگری بود، بورکرات های حزب کمونیست کشورهائی نظیر آلمان جعبه های حاوی جوراب های ابریشمی یا پشمی، کره، شکر و غیره از اتحاد شوروی دریافت می کردند. توجهی که مبذول محترم شمردن رتبه بندی می شد بسیار مایه ی تفریح است: اندازه و محتوی جعبه ها دقیقاً بازتاب کننده رتبه ی دریافت کننده بود. در شرایط قحطی عمومی مشاهده ی چنین بکار بستن جامد عقیده ی بورکراتیك که رتبه بندی را تا به اصل مقدسی ارتقاء می دهد در صورت تراژیك نبودنش، خنده آور می بود. مع الوصف یافتن تمام سورسات انحطاط بورکراتیك حتا در چنین خرده نمونه هائی، کاملاً منطقی است.

۵- چند نمونه از راه حل های خطا

مهم ترین درسی که می بایست از این مطالعه ی مختصر در باره ی مسأله ی منشاء بورکراسی در جنبش کارگری گرفته شود این است که باید بین نکات زیر محتاطانه تفکیك قائل شد:

۱- نطفه های بورکراتیزه شدن که در توسعه ی سازمان های توده ای طبقه ی کارگر ذاتی هستند؛

۲- بورکراتیزه شدن تمام و کمال، آن گونه که در احزاب مختلف رفرمیست و استالینیست و دولت شوروی مشاهده شد.

در صورتی که بین این دو نکته تمایز گذاشته نشود و در نتیجه لزوم هرگونه سازمان توده ای برای جنبش کارگری بر این اساس که انحطاط آن اجتناب ناپذیر خواهد بود انکار شود، این استنتاج تحمیل می گردد که خود- رهائی پرولتاریا

www.hks-iran.com

غیرممکن است. چنین رویه ای، با انکار وجود دیالکتیك میان خود انگیختگی و سازمان، از همان ابتدا شکست طلب است.

این سردرگمی در مورد دو قطب بورکراتیك وجه مشخص گروه های مختلف "ماوراء چپ" است. بحث برخی از آنان این است که بعلت خطر ذاتی که در خود موجودیت دستگاه و "کارمندان" تمام وقت نهفته، می بایست هر گونه نقشی برای "انقلابیون حرفه ای"، را رد کرد. تز آنان را می توان در این عبارت خلاصه نمود: اولین انقلابی حرفه ای که درون جنبش طبقه کارگر ظاهر گشت، استالین آتی را شکل بخشید. لیکن سؤال اصلی این است که آیا جنبش آزادی کارگران- نه در شرایط تخیلی ایده آل بلکه در جامعه سرمایه داری موجود- بدون برخی از ساختارهای سازمانی دائمی به هیچ وجه امکان دارد؟

جنبشی که در صدد ایجاد انقلابیون حرفه ای- از طبقه کارگر و در پیوند با آن- برنیاید، نخواهد توانست از ابتدائی ترین گروه های دفاعی کارگران پیشتر برود. چنین جنبشی عاجز از پیشبرد مبارزه ی طبقاتی به ماوراء خواست های آنی و خودبخودی خواهد بود. مسلماً موفق به سرنگونی سرمایه داری و آزادی کارگران و در نتیجه گشایش راه بسوی سوسیالیزم نخواهد گشت. تاریخ نشان می دهد که این شق هیچ گاه به عنوان چاره پذیرفته نشده و حتا برای نمونه یك کشور وجود ندارد که در آن طبقه ی کارگر پس از پاره ای تجربیات مبارزه ی طبقاتی، بعلت ترس از بورکراتیزه شدن هم چنان متکی به مبادی اولیه تشکیلاتی باقی مانده باشد. تجربه ی تاریخی برعکس مبین اینست که آن جنبش کارگری که ضرورت سازمان دادن را انکار کرده و کادرهای خود را انتخاب و بطور سیستماتیك تربیت ننموده تحت سلطه ی ایدئولوژیکی و سازمانی روشنفکران بورژوائی و خرده بورژوائی قرار می گیرد که درون جنبش الگوی انحصار فرهنگی ای را که در جامعه سرمایه داری بطور کلی اِعمال کرده اند، از نو اقامه می کنند.

www.hks-iran.com

بدین ترتیب واقعاً هیچ چاره ای وجود ندارد: به منظور اجتناب از دام بورکراتیزه شدن "ابتدائی"، به تله ی حتا خطرناکتری سقوط می کنیم.

این گروه های "ماوراءچپ" درك نمی کنند که مسأله انتخاب مابین یك شکل سازمانی که کاملاً مبری از خطر بورکراتیك است و شکل دیگر که این خطر را در نطفه ی خود می پروراند، نیست؛ یگانه شق واقعی عبارتست از انتخاب بین توسعه ی خود مختاری واقعاً سازمان داده ی طبقه ی کارگر (شامل خطر پتانسیل بورکراسی) و رها ساختن سازمان های کارگری زیر تسلط ایدئولوژیکی بورژوازی. آن سازمان کارگری که اعضایش فقط کارگران یدی هستند که در پروسه ی تولیدی تمام وقت درگیرند، بسیار آسانتر توسط سیاست و ایدئولوژی بورژوازی تسخیر می گردد تا سازمانی که آگاهانه در تربیت و انتخاب آگاهترین کارگران و ساختن انقلابیون حرفه ای از آنان می کوشد.

راه حل کاذب دیگری که بعلت دید غیردیالکتیکی بروز میکند از جانب گروه "سوسیالیزم یا بربریت" Socialisme ou Barberie مطرح گردید).(بحث آنان این بود که راه جلوگیری بورکراتیزه شدن دولت های کارگری از بین بردن کلیه تفاوت های دستمزدی است؛ لیکن نتیجه عینی این اقدام چه خواهد بود؟ در جامعه ای که کمبودی مادی بر آن حکفرماست یك شبه بر طرف کردن تمام تفاوت های مزدی به معنای از میان برداشتن آن انگیزه هائی است که مردم را خواستار فراگیری مهارت های تازه می نماید. زمانیکه داشتن مهارت حرفه ای دیگر حتا به اندازه ناچیزی سطح زندگی بهتری را تضمین نکند تنها عناصر بسیار آگاه سیاسی که ضرورت عینی اجتماعی ازدیاد مهارت های حرفه ای را درك می کنند در فراگرفتن آن می کوشند؛ در نتیجه رشد نیروهای مولده کندتر گشته و وضعیت کمیابی بیشتر به طول خواهد انجامید. عوامل عینی رشد بورکراسی (رشد ناچیز نیروهای مولده، عقب ماندگی فرهنگی پرولتاریا) بیشتر به درازا خواهد کشید و نتیجه ای درست برعکس آن چه امید می رفت بدست خواهد آمد؛ با حفظ برخی از تفاوت های اندك در

www.hks-iran.com

مزدها، تخصص افزایش پیدا می کند و هم چنین پایه ی مادی مساعد برای از میان بردن بورکراتیزه شدن و امتیازات رشد می یابد. بار دیگر با یك پروسه ی دیالکتیکی که یك راه حل دیالکتیکی ایجاب می کند روبرو هستیم.

۶- راه حل انقلابی مارکسیستی

مارکس به علت عدم سوابق تاریخی بسنده، تمام جوانب مسأله بورکراتیك را به روشنی مشاهده نکرد. با اینحال او تنها مجهز به تجربه کمون پاریس، دو قانون ساده لیکن اساسی ترسیم نمود که تقریباً کلیه محافظات علیه بورکراتیزه شدن را که تا به امروز توسط جنبش کارگری تکامل یافته، دربردارد:

۱- مواجب کارگزاران سیاسی دولت های کارگری می بایست برابر مواجب کارگران ماهر باشد. هدف مارکس از این قانون جلوگیری از مقام طلبی یعنی متوسل شدن به مقام دولتی به منظور ترفیع شخصی، بود.

۲- تمام کاگزاران می بایست انتخاب شده و هر زمان به رأی انتخاب کنندگان قابل عزل باشند. این اصل (که توسط قانون سیستم دواری لنین تکمیل شد) با از بین رفتن طبقات و کسب تجربیات مشخص در انجام وظایف اداری توسط هر فرد، زوال دولت را به پیش خواهد راند.

راه حل مارکسیستی انقلابی مسأله بورکراسی را در تئوری حزب انقلابی لنین و در تئوری تروتسکی در باره دولت کارگری و نقش پیشگام در مبارزه علیه بورکراتیزه شدن می توان یافت. این راه حل بر مبنای فهم روشن ماهیت عینی گرایش بورکراتیزه شدن در جنبش طبقه کارگر قرار دارد و جنبش را به ابزار مؤثر برای مبارزه با این گرایش مجهز می سازد.

تئوری حزب لنین ابتدا در چه باید کرد؟ بسط یافته بود ولی پس از آنکه طبقه کارگر روسیه اولین تجربه ی انقلابی خود را در سطح وسیع فعالیت توده ای- در سال ۱۹۰۵- طی کرد، لنین خود ضرورت تعمق بیشتر در باره ی تجزیه و تحلیل خویش

www.hks-iran.com

را احساس نمود. بدینسان تئوری واقعی حزب لنینیستی شامل دو عنصر است. ابتدا آن چه او در اوایل قرن در چه باید کرد؟ پیرامون ایجادهسته های حزب انقلابی در شرایط مخفی کاری نوشت. دیگر آن‌چه که او بعد از نخستین تجربه ی انقلابی توده ای پرولتاریای روسیه- تجربه ی احزاب توده ای، اتحادیه های کارگری و شوراها تدوین نمود. درك تئوری حزب لنین به معنای درك ضرورت جدائی پیشاهنگ و احزابی است که فقط می توانند اقلیت ناچیزی از طبقه کارگر را سازمان دهند، و در عین حال درك ضرورت ادغام حزب پیشاهنگ در توده ها و جایگزین آن نشدن و یا به عهده نگرفتن تکالیفی که فقط بوسیله خود توده ها می تواند به جا آورده شود. این تئوری که رهائی پرولتاریا فقط می تواند توسط خود پرولتاریا به انجام رسانده شود، نباید چه در تئوری و چه در عمل به این مفهوم کاهش پیدا کند که تکلیف حزب انقلابی آزاد ساختن پرولتاریا و بنیاد نهادن دولت کارگری به نمایندگی از طرف پرولتاریاست ابتدا به اسم پرولتاریا و سپس در شرایط مشخص تاریخی علیه آن.

در این دیالکتیك میان پیشگام و توده لازمست بر این واقعیت پافشاری نمود که حزب رسالت تاریخی خود را تنها زمانی می تواند به انجام برساند که از حمایت فعالانه ی اکثریت پرولتاریا برخوردار باشد. ولی این حمایت فعالانه توده ها از حزب انقلابی فقط در لحظات استثنائی و لیکن از لحاظ تاریخی تعیین شده بوقوع می پیوندد. این بدین معنی است که تا زمانیکه شرایط انقلابی فرا نرسیده حزب بناچار یك حزب اقلیت خواهد بود(۳).

تئوری راستین حزب لنینیستی در درك فراگیرنده ی آن از رابطه ی دیالکتیکی میان حزب و توده ها نهفته است. این دیالکتیك یك نوع معین سازمان و یك بینش معین از انقلابی حرفه ای ایجاب می کند. انقلابی حرفه ای هرگز نباید بطرزی همیشگی از توده ها جدا بماند؛ همواره می بایست آماده ی بازگشت به محوطه ی کارخانه و واگذاری مقام خود به رفیق دیگر باشد تا اینکه او نیز بتواند تجربیات لازم را فرا

www.hks-iran.com

گیرد. این تئوری سیستم دواری است که میان پرولتاریا و پیشگامش یك حالت واقعی "گردش نیروی حیاتی" برقرار می سازد.

اصول اساسی مشابهی در مورد دولت کارگری در مرحله ی گذار از سرمایه داری به سوسیالیزم نیز صدق می کند. اگر چه لنین در ابتدا در پروراندن چندین نظریه و بر نهاد Theses در باره ی مسأله بورکراتیزه شدن دولت های کارگری پیشقدم بود (در واقع او در سال های ۲۲- ۱۹۲۱ خیلی پیش از تروتسکی از خطر آگاه بود). معذلك عمدتاً تروتسکی و جنبش تروتسکیستی بود که راه حل انقلابی مارکسیستی برای این مسأله ارائه داد.

با اینکه گرایش در جهت ناهنجاری های بورکراتیك در یك کشور عقب مانده و جامعه ی منزوی اجتناب ناپذیر است، منتهی شدن این گرایش به انحطاط مهیب دوره ی استالینیستی اجتناب ناپذیر نیست. در این شرایط، نقش عامل ذهنی بار دیگر تعیین کننده است. پیشاهنگ انقلابی می بایست در تمام سطوح بر علیه خطربورکراتیزه شدن مبارزه کند:

- در سطح سازمان سیاسی دولت، می بایست دمکراسی کارگری را پرورش دهد و دخالت مستقیم توده ها در اداره ی دولت را تشجیع نماید؛

- در سطح بین المللی، می بایست از انکشاف انقلاب جهانی، که به سبب در هم شکستن انزوای دول کارگری مؤثرترین پادزهر علیه بورکراتیزه شدن است، حمایت نماید. اگر یك پیشگام پرولتاریائی آزاد از فرسودگی اخلاقی و جسمانی موفق به تسخیر قدرت گردد، قادر به در دست گرفتن نقش رهبری در گسترش انقلاب جهانی خواهد بود: این همان چیزی است که تروتسکی آن را جنبه سوم تئوری انقلاب مداوم خواند؛

- در سطح اقتصادی: می بایست از هرگونه جدائی ریشه ای میان عمل انباشت و عمل تولید، از هرگونه جدائی ریشه ای میان طبقه کارگر واقعی موجود و کنترل محصول افزونه ی اجتماعی- چه از طریق یك بورکراسی دولتی بحد نهایت مرکزیت

www.hks-iran.com

یافتـه چـه از طریـق عملکـرد آزاد "قـوانین بـازار"- بهـر قیمـت ممکنـه ممانعت شـود. مدیریت کارگری با برنـامه ی اقتصاد که بطرز دمکراتیك مرکزیت یافتـه پاسـخ تـاریخی به این مسأله است.

www.hks-iran.com